



Methods of Audience Persuasion in Hafez's Didactic Monothematic Ghazals

Tahereh Ishany 

1. Department of Persian language and literature, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.
E-mail: tahereh.ishany@gmail.com.

Article Info

Article Type:
Research Article

Article History:

Received:
6, June, 2024

In Revised form:
5, September, 2024

Accepted:
11, September, 2024

Published Online:
18, September, 2024

Keywords: Hafez, Didactic Ghazal, Rhetorical Criticism, Rhetorical Techniques, Audience Persuasion.

ABSTRACT

Although thematic diversity reaches its peak in Hafez's ghazals, single-themed ghazals with mystical, didactic, and laudatory themes, among others, can also be found in his works. Among these, didactic themes hold particular significance. Beyond their educational messages, these ghazals employ a variety of artistic and rhetorical techniques that enable profound impact. This study aims to examine Hafez's single-themed didactic ghazals. Using a descriptive-analytical and statistical approach and employing rhetorical criticism, this study seeks to answer the following question: What methods and didactic-rhetorical strategies did Hafez employ to communicate more effectively with his audience, and which of these strategies were most prominent? The research findings reveal that in his single-themed didactic ghazals, Hafez employs an encouraging tone as his primary and most frequent persuasive tool. Additionally, he complements this with less frequent tones, including cautionary, reproachful, and compassionate tones, in descending order of usage, creating an artistic balance between emotional and logical persuasion. Among the didactic methods, conditional statements in implicit teaching and reasoned discourse—sometimes accompanied by a cautionary tone—are most frequently used for argumentation. On the other hand, the analysis of rhetorical techniques in Hafez's didactic ghazals indicates that metaphor, followed by simile, plays a key role in conveying didactic messages. These devices create profound and tangible imagery, enriching the poem's semantic layers. This artistic diversity and combination demonstrate Hafez's mastery in purposefully employing didactic strategies and rhetorical tools to persuade and inspire reflection in his audience.

Cite this The Author(s): Ishany, Tahereh: 2024. Methods of Audience Persuasion in Hafez's Didactic Monothematic Ghazals, Persian Literature. Vol. 14, No. 1, Serial No. 33. Spring- Summer. (67-88).

DOI: [10.22059/jpl.2025.380360.2261](https://doi.org/10.22059/jpl.2025.380360.2261)



Publisher: University of Tehran Press



روش‌های اقناع مخاطب در غزل‌های تعلیمی تک‌مضمونی حافظ

طاهره ایشانی^۱ ✉

Tahereh.ishany@gmail.com

۱. پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. رایانامه:

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی - پژوهشی	اگرچه تنوع مضمون در غزل‌های حافظ به اوج خود می‌رسد؛ ولی غزل‌های تک‌مضمونی با مضامین عرفانی، تعلیمی، مدحی و ... نیز در میان غزلیات او دیده می‌شود. در میان این غزل‌ها، مضامین تعلیمی که اغلب با بهره‌گیری از حکمت، اخلاق، و اندیشه‌های عرفانی همراه است، از اهمیتی خاص برخوردارند. این غزل‌ها علاوه بر پیام‌های تعلیمی خود، از شگردهای تعلیمی و بلاغی متنوع و هنرمندانه‌ای استفاده می‌کنند که تأثیرگذاری عمیق بر مخاطب را ممکن می‌سازند. از این رو، در این جستار بر آن هستیم ضمن اشاره به غزل‌های تک‌مضمونی تعلیمی حافظ؛ به روش توصیفی تحلیلی و آماری، و با استفاده از نقد بلاغی به این پرسش پاسخ دهیم که حافظ برای ارتباط مؤثرتر با مخاطبان خود، از چه روش‌ها و شگردهای تعلیمی و بلاغی بهره گرفته و کدام شگردها در این میان برجسته‌تر بوده‌اند؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که حافظ در غزلیات تک‌مضمونی تعلیمی خود با بهره‌گیری از لحن تشویقی به‌عنوان اصلی‌ترین و پربسامدترین ابزار اقناع، و استفاده تکمیلی ولی کمتر از لحن‌های تحذیری، توبیخی، و مشفقانه -به ترتیب بسامد- تعادلی هنری میان اقناع عاطفی و منطقی ایجاد کرده است. در روش‌های تعلیمی، کاربری شرط در آموزش ضمنی و سپس کلام مستدل که گاه با لحن تحذیری همراه شده؛ بیشترین استفاده را در استدلال‌سازی داشته‌اند. از سوی دیگر، بررسی روش‌های بلاغی غزلیات تعلیمی حافظ نشان می‌دهد استعاره و سپس تشبیه با ایجاد تصاویری عمیق و ملموس با افزایش لایه‌های معنایی، نقشی کلیدی در انتقال پیام‌های تعلیمی دارند. این تنوع و ترکیب هنری، نشان‌دهنده مهارت حافظ در استفاده هدفمند از شگردهای تعلیمی و ابزارهای بلاغی برای اقناع و برانگیختن تفکر مخاطب است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۷	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۱۵	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۱	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۲۸	
واژه‌های کلیدی: حافظ، غزل تعلیمی، نقد بلاغی، شگردهای بلاغی، اقناع مخاطب.	

استناد: طاهره ایشانی (۱۴۰۳)، روش‌های اقناع مخاطب در غزل‌های تعلیمی تک‌مضمونی حافظ، ادب فارسی، سال ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳، پیاپی ۳۳، (۶۷-۸۸).

DOI:

10.22059/jpl.2024.367653.2212



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

حافظ، شاعر سرشناس تمام اعصار - پس از عصر خویش - به واسطه غزلیاتش که از تنوع مضامین سرشار است، یکی از برجسته‌ترین چهره‌های ادبیات غنایی به شمار می‌رود. در باب سیر تنوع مضمون در غزل می‌توان گفت از قرن ششم به بعد که غزل به کمال خود از نظر شکل و قالب رسیده بود، تغییر و تحول در مضمون غزل نیز کم کم ایجاد شد. به تدریج، مضامین تازه‌ای وارد غزل گردید و آن را از یکنواختی و تک‌مضمونی دور ساخت. اولین گام‌های تغییر در مضمون با ورود عرفان و تصوف در ادبیات ایران و به ویژه غزل فارسی، برداشته شد و غزل‌هایی با مضامینی جز مضمون عاشقانه، سروده شد؛ غزلیاتی با مضامین قلندری، عرفانی، تعلیمی، مدحی و ... اگرچه مؤتمن بر این عقیده است که:

حق این است که سعدی را مبتکر و به‌وجود آورنده و استاد مسلم این گونه غزل‌ها بدانیم، چه گذشته از دقایق حکمی و اخلاقی که گاه‌گاهی در خلال غزلیات عاشقانه آورده، غزل‌های تمام اخلاقی نیز سروده و در حقیقت این باب تازه را در ادبیات منظوم ایران گشوده است. دیگران نیز در این شیوه از او تقلید کردند ولی هرگز بدو نزدیک نشدند (۱۳۳۹: ۲۹۲)؛

ولی به جرأت می‌توان گفت؛ اولین رگه‌های غزل تعلیمی، در غزلیات سنایی مشاهده شده است. چنان‌که در غزل زیر (سنایی: ۹۸۴) از او دیده می‌شود:

ای برادر خویش را زین جمع خودبینان مکن	کار دشوار است تو بر خویشتن آسان مکن
صحبت هر ناکسی مگزين و رنج دل مبین	روی بر ایشان مدار و پشت بر ایشان مکن
عقل سلطانت و فرمانش روان بر جان و دل	رو چو مردان روز و شب جز خدمت سلطان مکن
هفت چرخ و چار طبع و پنج حس محروم نیند	روی جز در حق مدار و حکم جز قرآن مکن

از سوی دیگر، غزل حافظ را که در اوج تنوع مضمون در دوره‌ی مورد بحث قرار دارد، می‌توان مجموعه‌ای از کلّ غزلیات شاعران مذکور دانست. البته، اگرچه غالب غزل‌های او به‌صورت چندمضمونی سروده شده‌اند، غزل‌های تک‌مضمونی نیز جایگاه ویژه‌ای در میان اشعار او دارند. در میان این غزل‌ها، مضامین تعلیمی که اغلب با بهره‌گیری از حکمت، اخلاق، و اندیشه‌های عرفانی همراه است، از اهمیتی خاص برخوردارند. با توجه به این که موضوع پژوهش حاضر «غزل تعلیمی» است؛ ضروری است ابتدا به تعریف این نوع از غزل بپردازیم.

غزل با مضمون تعلیمی به غزلی گفته می‌شود که شاعر احساسات خود را به صورت تعلیم و آموختن مطلبی یا روشی به مخاطب خویش بیان می‌کند. این غزل‌ها علاوه بر پیام‌های تعلیمی خود، از شگردهای بلاغی متنوع و هنرمندانه‌ای استفاده می‌کنند که تأثیرگذاری عمیق بر مخاطب و اقناع او را ممکن می‌سازد. پرسش اصلی این جستار آن است که حافظ برای ارتباط مؤثرتر با مخاطبان خود، از چه روش‌ها و شگردهای تعلیمی و بلاغی بهره گرفته و کدام شگردها در این میان برجسته‌تر بوده‌اند؟ فهم این مسئله می‌تواند درک عمیق‌تری از زیبایی‌شناسی شعر حافظ و شیوه‌های اقناع مخاطب در غزل‌های تعلیمی او ارائه دهد. بنابراین این پژوهش تلاش

دارد با بررسی غزل‌های تک‌مضمون تعلیمی حافظ، به تحلیل شگردهای مورد استفاده در انتقال پیام و تأثیرگذاری پردازد و سهم هر یک از این روش‌ها را در برقراری ارتباط با مخاطب روشن سازد.

از سوی دیگر، پیشینه پژوهش در دو حوزه، شایسته بررسی است. یکی پژوهش‌هایی که درباره «اقناع مخاطب» انجام شده، و دیگری تحقیقاتی است که در ارتباط با «اقناع در غزلیات حافظ» نوشته شده که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

الف. پژوهش‌های مرتبط با اقناع مخاطب

موضوع اقناع مخاطب در متون ادبی همواره مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و تاکنون تحقیقات متعددی در این زمینه انجام شده است. بررسی‌هایی در مورد اقناع در متون ادبی مختلف انجام شده که زمینه‌های نظری مرتبط با موضوع را تقویت می‌کند. در ادامه به برخی از این آثار اشاره می‌شود:

- مقاله با عنوان «درآمدی بر جایگاه فرایند اقناع در فن خطابه و مطالعات ادبی» (۱۳۹۳) از مؤدنی و احمدی.
- این مقاله به بررسی اهمیت فرایند اقناع در ارتباطات ادبی و نقش آن در نفوذ به مخاطبان پرداخته و مفاهیمی نظری درباره ارتباطات ادبی و اقناع ارائه داده است.
- مقاله «استفاده از مناظره و جدل برای اقناع مخاطب در مثنوی معنوی» (۱۴۰۰) از مینا شاکر و همکاران
- این پژوهش به تحلیل شیوه‌های بحث و جدل در حکایات مثنوی مولوی پرداخته و نشان داده است که این شگردها چگونه در اقناع مخاطب و انتقال پیام تأثیر دارند.
- مقاله با عنوان «روش‌های اقناع مخاطب در گلستان سعدی» (۱۳۹۸) از مجد و غلامی شعبانی
- در این مقاله، شیوه‌های مختلف سعدی در تسخیر ذهن خواننده و طبقه‌بندی این شیوه‌ها بررسی شده است.
- مقاله «شیوه‌های اقناع مخاطب در کشف‌المحجوب هجویری در آینه نقد رتوریک» (۱۴۰۰) از طاهری و بیرجندی
- این پژوهش به تحلیل روش‌های اقناع مخاطب در کشف‌المحجوب پرداخته و با تکیه بر نقد رتوریک، ساختارهای اقناعی این اثر را بررسی کرده است.
- مقاله با عنوان «شگردهای بلاغی اقناع در سوانح‌الافکار (مکاتبات) رشیدی» (۱۴۰۲) از ایشانی

نویسنده این پژوهش به تحلیل نامه‌های رشیدالدین فضل‌الله همدانی، وزیر دانشمند دوره ایلخانان مغول، از منظر بهره‌گیری از شگردهای بلاغی برای اقناع مخاطب، بر اساس کاربست اغراض ثانوی کلام در علم معانی پرداخته است.

این مطالعات نشان می‌دهد که شگردهای اقناع در متون ادبی فارسی دارای جایگاه مهمی هستند و روش‌های مختلفی برای تأثیرگذاری بر مخاطب در این متون همواره مورد توجه ادیبان بوده است.

ب. پژوهش‌های مرتبط با اقناع مخاطب در غزلیات حافظ

غزلیات حافظ به دلیل ویژگی‌های خاص بلاغی و هنری، یکی از مهم‌ترین منابع برای مطالعه شگردهای اقناع به شمار می‌رود. چندین پژوهش به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

- مقاله با عنوان «مخاطب‌شناسی در غزلیات حافظ شیرازی با تکیه بر نقش ترغیبی»

(۱۳۹۸) از ازاری و باقری خلیلی

نویسندگان این جستار به تحلیل نحوه خطاب‌های حافظ به مخاطبان خاص و عام پرداخته و تأثیر ترغیبات او بر آنان را مورد بررسی قرار داده است. نویسنده در این پژوهش نشان داده است که چگونه حافظ با استفاده از زبان ترغیبی و خطاب مستقیم، تأثیری عمیق بر ذهن و احساس مخاطبان خود می‌گذارد.

- مقاله «لحن تعلیمی در دیوان حافظ» (۱۳۹۲) از رضی و فرهنگی

نویسندگان در این جستار، صرف نظر از مضمون غزل که تعلیمی است یا عاشقانه و یا قلندرانه و یا چندمضمونی است یا تک‌مضمونی؛ لحن تعلیمی در دیوان حافظ - بدون ذکر تعداد غزل‌ها و یا ابیات مورد بررسی - بررسی کرده‌اند. تفاوت پژوهش حاضر با این مقاله آن است که در جستار پیش‌رو، تنها غزلیات تک‌مضمونی تعلیمی حافظ که فقط با هدف تعلیم و آموزش به مخاطب سروده شده‌اند؛ بررسی و تحلیل شده است. در واقع، این نکته مهم مورد نظر است که هدف حافظ از سرایش این غزل‌ها، آموزش مطالب و یا نکته‌هایی بوده که خود می‌خواسته آن را به مخاطب خاص و یا عام خویش انتقال دهد. افزون بر آن، هدف نویسندگان پژوهش یادشده؛ معرفی انواع لحن در دیوان حافظ بوده است و نه بررسی روش‌های بلاغی حافظ برای اقناع مخاطب در غزلیاتی - تک‌مضمونی - با مضمون تعلیمی.

۲. مبانی نظری پژوهش

نقد بلاغی از جمله شاخه‌های مهم نقد ادبی است که به بررسی و تحلیل شگردهای هنری و بلاغی متن می‌پردازد. «در این گونه نقد، علاوه بر توجه به ذات اثر ادبی، به تجزیه و تحلیل عناصری که باعث تأثیر و نفوذ اثر ادبی در خواننده می‌شوند، می‌پردازند. پس مطالعه ابزاری که

نویسنده به وسیله آن‌ها نقطه‌نظرهای خود را به خواننده القا یا تحمیل می‌کند، در این گونه نقد اهمیت دارد» (شمیسا، ۱۳۹۳: ۱۰۴). همچنین صالحی و همکاران (۱۴۰۱: ۴۹) در تعریف این نوع نقد بر این باور هستند که: «نقد بلاغی را می‌توان چگونگی بهره‌گیری از دانش بلاغت در راستای تولید معانی و تخییل در مخاطب در متن تعریف کرد». بر اساس این تعریف، آنان دو روش برای نقد بلاغی در نظر می‌گیرند:

روش نخست که نقد توصیفی نام‌گذاری شده است؛ به بررسی صنایع بلاغی به‌کاررفته در متن اختصاص دارد، و روش دوم که از آن با عنوان نقد کاربردی-تحلیلی یادشده، به بررسی چگونگی استفاده از آرایه‌های ادبی و شگردهای بلاغی و زیبایی‌شناختی در خلق معنا و تقویت گفتمان‌های موجود در متن پرداخته می‌شود (همان).

بنابراین، نقد بلاغی، ابزارهایی را که نویسنده یا شاعر برای ایجاد تأثیر، اقناع مخاطب، و انتقال پیام به‌کار گرفته، بررسی می‌کند. در واقع، نقد بلاغی به فهم این نکته کمک می‌کند که چگونه ساختارهای زبانی و زیبایی‌شناختی به هدف ارتباطی متن یاری می‌رسانند. از آن‌جاکه یکی از مهم‌ترین اهداف شاعران و سخنوران در ادبیات تعلیمی -به طور عام- و شعر تعلیمی -به طور خاص- اقناع مخاطب است، و در نقد بلاغی نیز به اقناع مخاطب توجه ویژه‌ای وجود دارد؛ ضروری است نگاهی اجمالی به این کلیدواژه مهم در نقد بلاغی داشته باشیم.

اقناع در فرهنگ اصطلاحات منطقی عبارتست از: «قانع کردن و متقاعد ساختن، نظر و عقیده‌ای را به شنونده قبولاندن» (خوانساری، ۱۳۷۶: ۲۸). همچنین حسینی پاکدهی اقناع را این‌گونه تعریف کرده است: «نفوذ یافتن در مخاطبان، به‌منظور نیل به مقاصد خاصی با بررسی و ارزیابی افکار و احساسات آن‌ها» (حسینی پاکدهی، ۱۳۸۱: ۱۰). لستر نیز تعریفی نزدیک به هدف این جستار ارائه داده و گفته است: «اقناع، فرایندی است که در آن، هر نوع پیامی به قصد شکل‌دادن، تقویت کردن یا تغییر دادن کنش دیگران به وجود می‌آید» (۲۰۱۱: ۲) به نقل از مؤدنی و احمدی، ۱۳۹۳: ۹۴. به عبارتی اقناع در نقد بلاغی را می‌توان به معنای همراهی مخاطب با پیام یا اندیشه‌ای دانست که کاربر زبان در متن ادبی ارائه می‌دهد.

بنابراین، نقد بلاغی از این جهت ارزشمند است که به بررسی دقیق شیوه‌هایی می‌پردازد که شاعر یا نویسنده از طریق آن‌ها به اقناع مخاطب دست می‌یابد. در این رویکرد، متن ادبی نه صرفاً اثری هنری، بلکه وسیله‌ای برای تعامل فعال با ذهن و احساس مخاطب در نظر گرفته می‌شود.

۳. بررسی و تحلیل شگردهای اقناع در غزل‌های تعلیمی حافظ

چنان‌که پیش‌تر اشاره شد؛ حافظ افزون بر غزلیات چندمضمونی، غزل‌های تک‌مضمونی نیز سروده است. مطلع غزل‌های تعلیمی تک‌مضمونی حافظ -که در آن، کلّ غزل با هدف «تعلیم و آموزش» سروده شده- به شرح زیر هستند:

به سر جام جم آن‌گه نظر توانی کرد	که خاک میکده کحل بصر توانی کرد (حافظ: ۱۷۱)
بهار و گل طرب‌انگیز گشت و توبه‌شکن	به شادی رخ گل بیخ غم ز دل برکن (حافظ: ۳۰۵)
نوبهار است در آن کوش که خوشدل باشی	که بسا گل بدمد باز و تو در گل باشی (حافظ: ۳۴۶)
ای دل آن دم که خراب از می گلگون باشی	بی‌زر و گنج به صد حشمت قارون باشی (حافظ: ۳۴۷)

در ادامه به روش‌های تعلیمی و بلاغی‌ای که حافظ برای اقناع مخاطب در غزل‌های یادشده برگزیده؛ اشاره می‌شود و سپس تحلیلی کلی از انواع این روش‌ها و شگردها بیان می‌شود.

۱-۳ بررسی روش‌های اقناع مخاطب در غزل‌های تعلیمی تک‌مضمونی حافظ

پیش از پرداختن به شیوه‌های اقناعی حافظ، گفتنی است حافظ در غزل‌های یادشده، برای تعلیم مخاطب از دو روش مستقیم و غیرمستقیم بهره برده که ضمن اشاره کوتاه به این دو روش و نمونه‌هایی از هریک؛ به بررسی شگردهای اقناع در تمام غزل‌های تعلیمی تک‌مضمونی حافظ می‌پردازیم.

-آموزش مستقیم

حافظ، گاه در غزلیات تعلیمی از روش آموزش مستقیم بهره برده و آموزش‌های او به صورتی صریح و روشن به مخاطب ارائه می‌شود. به طور نمونه در بیت:

طریق صدق بیاموز از آب صافی دل به راستی طلب، آزادگی ز سرو چمن (حافظ، ۱۳۶۸: ۳۰۵)

وی به صراحت از مخاطب می‌خواهد که صداقت را از آب صاف دل بیاموزد. در واقع، به صورتی آشکار از مخاطب می‌خواهد تا رفتاری نیکو را انتخاب کند و به‌طور عملی از این آموزه پیروی کند. همچنین در بیت زیر از غزلی تعلیمی دیگری:

در ره منزل لیلی که خطرهایست در آن شرط اول قدم آن است که مجنون باشی (حافظ، ۱۳۶۸: ۳۴۷)

آموزش مستقیم به کار رفته و حافظ به مخاطب می‌گوید که برای رسیدن به کمال و حقیقت باید از خودگذشتگی و جنون عشق را تجربه کند.

-آموزش غیرمستقیم

حافظ در غزل‌های تعلیمی تک‌مضمونی خویش از ترفندهایی همچون «استفاده از شرط» و «بهره‌گیری از آرایه‌های ادبی» در آموزش غیرمستقیم بهره برده است که در ذیل شگردهای اقناع مخاطب نیز در نظر گرفته می‌شوند. در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

الف. کاربست «شرط» در آموزش غیرمستقیم

حافظ گاه از روش شرط برای هدایت مخاطب به مسیر عرفانی استفاده می‌کند. شرطی که باید انجام شود تا نتیجه‌ای مطلوب به دست آید. این شیوه به مخاطب فرصت می‌دهد که خود به لزوم تغییر رفتار و نگرش خود پی ببرد و آن را درک کند. چنان‌که در ابیات زیر این شیوه به کار رفته است:

گلِ مراد تو آنکه نقاب بگشاید	که خدمتش چو نسیم سحر توانی کرد ...
گدایی در میخانه طُرفه اکسیرپست	گر این عمل بکنی، خاک زر توانی کرد (حافظ، ۱۳۶۸: ۱۷۱)

حافظ در این ابیات با استفاده از شرط به مخاطب می‌گوید که اگر در مسیر خدمت و گدایی در میخانه (در معنای مسیر عرفانی و جستجوی حقیقت) گام بردارد، به مراد و نتیجه نهایی خواهد رسید. این نوع آموزش، مخاطب را به کشف نتیجه از طریق عمل خود ترغیب می‌کند. این امر را در بیت زیر نیز می‌توان مشاهده کرد:

به عزم مرحله عشق پیش نه قدمی که سودها کنی از این سفر توانی کرد (همان)

افزون بر آن که حافظ در این بیت از «شرط» برای آموزش غیرمستقیم استفاده کرده؛ به مخاطب می‌گوید به قصد دستیابی و رسیدن به سرمنز عشق الهی، قدمی پیش بگذار. در این بیت، عزم به معنای «قصد» (ر.ک. لغتنامه دهخدا)، مرحله در معنای «منزل» (ر.ک. لغتنامه دهخدا) به کار رفته و سفر نیز استعاره از گام نهادن در مسیر سیر و سلوک عرفانی است.

همچنین در غزل (۱۳۶۸: ۳۴۶) مشاهده می‌کنیم حافظ، مخاطب را به‌طور غیرمستقیم

ولی مشروط به شرایطی، دعوت به انجام کاری و یا پرهیز از انجام کاری سوق می‌دهد:

من نگویم که کنون با که نشین و چه بنوش	که تو خود دانی اگر زیرک و عاقل باشی
چنگ در پرده همین می‌دهد پند ولی	وعظت آن گاه کند سود که قابل باشی
در چمن هر ورقی دفتر حالی دگر است	حیف باشد که ز کار همه غافل باشی
نقد عمرت ببرد غصه دنیا به گراف	گر شب و روز در این قصه مشکل باشی

به طور مثال، در بیت:

من نگویم که کنون با که نشین و چه بنوش که تو خود دانی اگر زیرک و عاقل باشی

از مخاطب می‌خواهد که زیرک و عاقل باشد تا خود بداند با چه کسی نشست و برخاست کند. این نوع آموزش غیرمستقیم که مشروط به «زیرکی» و «عاقلی» است، از نوع آموزش‌هایی است که به‌طور غیرمستقیم و با شرطی خاص، توانایی و آگاهی مخاطب را می‌سنجد. از این طریق، حافظ به مخاطب می‌آموزد که تصمیم‌گیری در مسایل زندگی بستگی به خرد و تدبیر فردی دارد. او در غزلی دیگر (۱۳۶۸: ۳۴۷) جملات شرطی را به‌ویژه برای تشویق مخاطب به تأمل

و تفکر بیشتر، به کار برده است. چنان‌که در ابیات زیر دیده می‌شود:

تاج شاهی طلبی، گوهر ذاتی بنمای	ور خود از تخمه جمشید و فریدون باشی
حافظ از فقر مکن ناله که گر شعر این است	هیچ خوشدل نپسندد که تو محزون باشی

ب. استفاده از «صور خیال» در آموزش غیرمستقیم

آموزش‌های غیرمستقیم حافظ اغلب به‌وسیله استعاره‌ها و تصاویر شعری برای انتقال پیام‌های معنوی یا اخلاقی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در ابیات:

ز دستبرد صبا گرد گل کلاله نگر	شکنج گیسوی سنبل بین به روی سمن
عروس غنچه رسید از حرم به طالع سعد	بعینه دل و دین می‌برد به وجه حسن
صفیر بلبل شوریده و نفیر هزار	برای وصل گل آمد برون ز بیت حزن (حافظ، ۱۳۶۸: ۳۰۵)

حافظ، مخاطب را به تأمل و تفکر دعوت می‌کند. این نوع آموزش به‌طور تلویحی به مخاطب می‌گوید که باید از طبیعت و دنیای پیرامون خود بیاموزد، بدون اینکه به‌طور آشکار به این مسئله اشاره کند. همچنین در بیت زیر، عمر را به نقد تشبیه کرده است:

نقد عمرت ببرد غصه دنیا به گزاف گر شب و روز در این قصه مشکل باشی (حافظ، ۱۳۶۸: ۳۴۶)

تشبیه عمر به نقد در اینجا مخاطب را به تحلیل بهتر زندگی وادار می‌کند. چنین تشبیهی می‌تواند به صورت ضمنی به مخاطب بیاموزد که غصه خوردن درباره دنیا به معنای هدر دادن عمر است و او را به تفکر بیشتر در مورد ارزش زمان و زندگی وادار نماید. نیز در بیت:

کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش کی روی ره ز که پرسی چه کنی چون باشی؟
(حافظ، ۱۳۶۸: ۳۴۷)

آموزش غیرمستقیم استفاده شده و حافظ از سوال، استعاره و تصاویری مانند «کاروان» و «خواب» استفاده می‌کند تا به مخاطب بفهماند که در مسیر عرفان باید هوشیار و بیدار باشد و از بی‌توجهی پرهیز نماید. حافظ برای بیان مفاهیم عرفانی از استعاره بیش از هر آرایه دیگری بهره می‌برد تا مخاطب را درگیر تفکر و تأمل نماید. در واقع، حافظ با استفاده از استعاره، پیچیدگی‌های موضوعات عرفانی را به گونه‌ای ساده‌تر و قابل فهم‌تر برای مخاطب بیان می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت استعاره یکی از مؤلفه‌های کلیدی در غزل حافظ است که به عنوان ابزاری برای تصویرسازی و به منظور انتقال مفاهیم عرفانی به کار رفته و در اقناع مخاطب تأثیرگذار است. چنان‌که در بیت زیر برای آموزش ضمنی مخاطب از استعاره مکنیه بهره می‌برد:

چنگ در پرده همین می‌دهد پند ولی وعظت آن گاه کند سود که قابل باشی
(حافظ، ۱۳۶۸: ۳۴۶)

استفاده از استعاره مکنیه «چنگ» در «چنگ در پرده همین می‌دهد پند...» به عنوان نمادی از پند و اندرز، می‌تواند تأثیر زیادی بر مخاطب داشته باشد و این استعاره با بار معنایی خود، به آموزش و هشدار حافظ جنبه‌ای هنری و عمیق می‌بخشد. افزون بر کاربست تشبیه و استعاره، در یکی از ابیات غزل‌های تعلیمی حافظ، شاهد بهره‌گیری وی از کنایه در کنار سوال - به عنوان ابزارهایی برای آموزش ضمنی - نیز هستیم. چنان‌که در بیت:

ساغری نوش کن و جرعه بر افلاک فشان چند و چند از غم ایام جگرخون باشی
(حافظ، ۱۳۶۸: ۳۴۷)

حافظ به صورت کنایی به مخاطب یادآوری می‌کند که برخلاف غم‌ها و مشکلات دنیا، باید در مسیر عشق و شادی گام بردارد.

ج. بهره‌گیری از کلام مستدل و مستند

حافظ در بسیاری از ابیات با کلام مستدل، مخاطب را به گام نهادن در مسیر عشق و عرفان تشویق می‌کند. چنین کلامی که گاه با تشویق - ضمنی و یا آشکار - همراه است؛ باعث می‌شود

مخاطب احساس کند باید این مسیر را بپیماید تا به حقیقت برسد. چنان که در بیت زیر دیده می‌شود:

به عزم مرحله عشق پیش نه قدمی که سودها کنی از این سفر توانی کرد (حافظ، ۱۳۶۸: ۱۷۱)

این روش تعلیمی همچنین در بیت زیر به کار رفته است:

بیا که چاره ذوق حضور و نظم امور به فیض بخشی اهل نظر توانی کرد (حافظ، ۱۳۶۸: ۱۷۱)

بنابراین، این کلام مستدل به‌طور آشکار مخاطب را تشویق می‌کند که در مسیر سلوک قدم بگذارد و از فیض اهل نظر بهره‌مند شود.

او همچنین در برخی از ابیات با استناد به حکمت‌های عرفانی یا فتوای پیر صاحب‌فن، به‌طور غیرمستقیم مخاطب را به سخن گفتن از خوبان و شادی دعوت می‌کند. این نوع استناد می‌تواند تأثیر بیشتری بر مخاطب داشته باشد:

حدیث صحبت خوبان و جام باده بگو به قول حافظ و فتوی پیر صاحب فن (حافظ، ۱۳۶۸: ۳۰۵)

حافظ در این بیت با استناد بر کلام خود – که همان اشعار اوست که تأکید بر شاد بودن دارد- و همچنین فتوای پیر صاحب‌فن، به صورت ضمنی مخاطب را به بیان کلامی خوش در ارتباط با خوبان و شادی حاصل از جام باده، تشویق می‌نماید. به عبارت بهتر، بر شاد بودن و سخن از خوبان زدن تأکید می‌نماید.

د. استفاده از تنبیه و عبرت

در غزل‌های تعلیمی حافظ، دو مفهوم تنبیه و عبرت نقش مهمی در انتقال پیام‌های اخلاقی و حکمی او دارند. این دو مفهوم از دیرباز در ادبیات فارسی و سنت عرفانی ایران جایگاهی ویژه داشته‌اند و حافظ با مهارت خاص خود، آن‌ها را در قالب مضامین شاعرانه بیان کرده است. تنبیه در شعر حافظ به معنای بیدار کردن انسان از خواب غفلت و آگاهی دادن به او درباره حقیقت زندگی است. این مفهوم معمولاً با نقد بی‌توجهی نسبت به دیگر امور همراه است. به طور مثال، حافظ در بیت زیر در کنار استفاده از لحن مشفقانه، از این دو مفهوم برای هشدار دادن به مخاطب استفاده می‌کند:

در چمن هر ورقی دفتر حالی دگر است حیف باشد که ز کار همه غافل باشی (حافظ، ۱۳۶۸: ۳۴۶)

در واقع، او مخاطب را از غفلت نسبت به تغییرات طبیعت و زندگی برحذر می‌دارد و به‌طور غیرمستقیم از او می‌خواهد که توجه بیشتری به اطراف خود داشته باشد. این نوع تعلیم به‌طور خاص از روش تنبیه و عبرت بهره می‌برد و به مخاطب نشان می‌دهد که اگر غافل باشد، فرصت‌های مهم زندگی را از دست خواهد داد. نیز در بیت زیر، توجه و آگاهی دادن به مخاطب با آموزش غیرمستقیم و با هدف «تنبیه و عبرت» مورد نظر حافظ است:

ز دستبرد صبا گرد گل کلاله نگر شکنج گیسوی سنبل بین به روی سمن (حافظ، ۱۳۶۸: ۳۰۵)

حافظ از گل و کلاله برای اشاره به چیزی زودگذر و شکننده استفاده می‌کند. این تصاویر استعاری به مخاطب می‌گویند که دنیا و لذت‌های مادی به سرعت از دست می‌روند و باید از غفلت نسبت به آن‌ها آگاه بود. از این رو، حافظ در این بیت به طور غیرمستقیم، او را آگاه می‌نماید و از او می‌خواهد از این زاویه به جهان بنکرد و عبرت بگیرد. این هشدار به مخاطب کمک می‌کند تا از دلبستگی‌های دنیوی بپرهیزد و به ارزش‌های بالاتر توجه نماید.

ه. بهره‌گیری از لحن تحذیری صریح و مستدل

حافظ در برخی از ابیات غزل (۱۳۶۸: ۳۴۷) برای آموزش به مخاطب و با هدف جلب توجه وی به خطرات یا اشتباهات ممکن از لحن تحذیری استفاده کرده است. به طور مثال، در بیت:

نقطه عشق نمودم به تو هان سهو مکن
ور نه چون بنگری از دایره بیرون باشی

(حافظ، ۱۳۶۸: ۳۴۷)

با به کارگیری دو شبه‌جمله و جمله هشدار «هان، سهو مکن» او را از خطراتی که ممکن است در مسیر عشق الهی پیش بیاید، آگاه می‌کند. در واقع، این لحن هشداردهنده به عنوان ابزاری برای آگاهی مخاطب از خطرات استفاده می‌شود؛ زیرا «یکی از شیوه‌های تأثیرگذار در مخاطب می‌تواند انذار باشد» (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۹۷).

گاه نیز از تحذیر مستدل برای هشدار دادن به مخاطب بهره می‌گیرد، به‌ویژه زمانی که وی را از دوری از می و مطرب (که در معنای استعاری به معرفت و مرشد اشاره دارد) نهی می‌کند. این هشدارها اغلب همراه با دلایل منطقی یا مفاهیم عمیق‌تر برای ترغیب مخاطب به پذیرش توصیه‌ها است:

مباش بی می و مطرب که زیر طاق سپهر
بدین ترانه غم از دل به در توانی کرد

(حافظ، ۱۳۶۸: ۱۷۱)

در اینجا حافظ به مخاطب هشدار می‌دهد که تا زمانی که از می و مطرب دور باشد، به آرامش و کشف حقیقت نخواهد رسید. این نوع تحذیر همراه با دلایل عقلی و ضمنی است که به مخاطب آموزش می‌دهد چرا باید به این مسیر وارد شود.

و. کاربست لحن تشویقی ضمنی یا آشکار

لحن تشویقی به عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای اقناعی حافظ، در غزل با مطلع:

بهار و گل طرب‌انگیز گشت و توبه‌شکن
به شادی رخ گل بیخ غم ز دل برکن

(حافظ، ۱۳۶۸: ۳۰۵)

به طور برجسته‌ای دیده می‌شود. حافظ در بسیاری از ابیات از عباراتی استفاده می‌کند که مخاطب را به سوی رفتارهای نیک و فضائل اخلاقی سوق می‌دهد. این لحن تشویقی گاه به طور مستقیم و آشکار، و گاه به طور ضمنی در ابیات جاری است. چنان‌که در بیت زیر دیده می‌شود:

بهار و گل طرب‌انگیز گشت و توبه‌شکن
به شادی رخ گل، بیخ غم ز دل برکن

(حافظ، ۱۳۶۸: ۳۰۵)

در این بیت، حافظ مخاطب را به‌طور مستقیم و با استفاده از واژه‌هایی چون «شادی»، «گل» و «طرب‌انگیز» به سوی احساس خوشحالی و دوری از غم ترغیب می‌کند. این تشویق به‌شکلی ضمنی در قالب «رخ گل» و «طرب‌انگیز» معنا می‌یابد که دربردارنده تصویری از شادمانی و نشاط است. حافظ با این نوع تشویق درصدد است تا مخاطب را به یک نگرش مثبت به زندگی هدایت کند. بنابراین، حافظ در اینجا از لحن تشویقی برای ایجاد انگیزه در مخاطب برای دوری از غم و پذیرش شادی و سرور بهره می‌برد. این نوع تشویق به‌ویژه در ادبیات تعلیمی برای تأثیرگذاری بر مخاطب، بسیار کار می‌رود.

او در ابیاتی از دیگر غزل تعلیمی‌اش، مخاطب را به پذیرش مفاهیم عرفانی، مانند فقر، عشق الهی، و پرهیز از دلبستگی‌های دنیوی دعوت می‌کند. به عنوان مثال، در بیت:

ای دل آن دم که خراب از می گلگون باشی بی‌زر و گنج به صد حشمت قارون باشی

(حافظ، ۱۳۶۸: ۳۴۷)

مخاطب خاص حافظ در این غزل، «دل» است که می‌تواند در معنای مجازی «دوست» و یا «خود حافظ» به کار رفته باشد. او به‌طور ضمنی در این بیت، بر نوشیدن شراب عشق الهی و سرمستی و از خودبیخودشدن از آن تأکید دارد. این لحن تشویقی در واقع تلاشی است برای برانگیختن مخاطب به عمل. همچنین در بیت زیر:

در مقامی که صدارت به فقیران بخشند چشم دارم که به جاه از همه افزون باشی

(حافظ، ۱۳۶۸: ۳۴۷)

هرچند این بیت به ظاهر توصیف است؛ ولی در بطن آن، تشویق مخاطب است به رسیدن به مقام فقر در عرفان. حافظ با کاربست کلمات انگیزشی همچون «چشم دارم»، سعی در ایجاد احساس انگیزه و امید در مخاطب دارد؛ بدون آن که او را به‌طور مستقیم بر انجام کاری وادارد.

حافظ به شکل‌های مختلف به ترغیب مخاطب می‌پردازد. از جمله آن که گاه به صورت ضمنی و با استفاده از استعاره‌ها و تشبیهات، مخاطب را به ادامه مسیر عرفانی و شناخت حقیقت تشویق می‌نماید. به‌طور نمونه در بیت زیر:

گلِ مراد تو آنکه نقاب بگشاید که خدمتش چو نسیم سحر توانی کرد (حافظ، ۱۳۶۸: ۱۷۱)

کاربست تشبیه «گل مراد» و همچنین تصویرآفرینی در مصراع اول که هر کدام دربردارنده مفاهیمی مثبت و مشوق هستند، تشویقی ضمنی است برای مخاطب تا او را به توجه بیشتر به ادامه کلام خود ترغیب نماید. او در این بیت به مخاطب می‌گوید اگر که همچون نسیم سحر در خدمت گل مرادت باشی، به مقصودت که با توجه به بیت اول^۱ همان دستیابی به اسرار الهی (سر

۱. به سر جام جم آن‌گه نظر توانی کرد که خاک می‌کده کحل بصر توانی کرد (حافظ، ۱۳۶۸: ۱۷۱)

جام جم) است؛ دست خواهی یافت. بنابراین، حافظ در این بیت به آموزش غیرمستقیم مفاهیم عرفانی می‌پردازد که در اینجا منظور از خدمت کردن، همان «خاک می‌کده را کحل بصر کردن» است. بنابراین، این آرایه‌های بلاغی همچون ابزارهایی برای ساده‌تر و جذاب‌تر شدن مفاهیم پیچیده عرفانی با هدف ترغیب مخاطب به کار گرفته می‌شوند.

همچنین در بیت:

گدایی در میخانه طُرفه اِکسیرِست گر این عمل پُکنی، خاک زَر توانی کرد (حافظ، ۱۳۶۸: ۱۷۱)

میخانه در اینجا همان می‌کده بیت نخست این غزل^۱ و استعاره از کشف شهود است. حافظ در این بیت نیاز بردن به این مکان مقدّس را برابر با اکسیری طرفه می‌داند که اگر هر کسی به این جایگاه یعنی «طلب» دست یابد؛ ارزشمندترین و گرانبهاترین چیزها را به دست خواهد آورد. در اینجا «خاک» می‌تواند استعاره از وجود انسان قبل از رسیدن به این جایگاه و «زر» استعاره از وجود انسان بعد از دستیابی به این جایگاه باشد. چنان که مشاهده می‌شود در این بیت حافظ از استعاره بهره جسته تا اهمّیت «نیاز بردن به در میخانه» را برای مخاطب مورد نظر خویش آشکار نماید.

ز. استفاده از لحن توییخی همراه با استفهام انکاری

در برخی ابیات، حافظ از لحن توییخی و سرزنشی استفاده می‌کند تا مخاطب را به تغییر مسیر وادار کند. این شیوه اغلب با استفهام انکاری همراه است که مخاطب را مجبور می‌کند نسبت به رفتار خود بازنگری کند و به این نتیجه دست یابد که باید در مسیر درست قرار گیرد. چنان که در ابیات زیر مشاهده می‌شود:

تو کز سرای طبیعت نمی‌روی بیرون کجا به کوی طریقت گذر توانی کرد (حافظ، ۱۳۶۸: ۱۷۱)

در ابیات پیش‌تر از این بیت، حافظ با لحن و کلامی همراه با تشویق، مخاطب خود را به گام نهادن در مسیر عرفان ترغیب می‌نماید ولی ناگهان در این بیت لحن کلام او تغییر می‌یابد و مخاطب را توبیخ و سرزنش می‌نماید. این لحن توییخی در بیت زیر – بدون کاربست استفهام انکاری – دیده می‌شود:

ولی تو تا لبِ معشوق و جام می خواهی طمع مدار که کارِ دگر توانی کرد (حافظ، ۱۳۶۸: ۱۷۱)

لحن حافظ در این بیت کمی تند و تلخ همراه با توبیخ و سرزنش است. در واقع، لحن کلام او از تشویق در بیت پیشین^۲ به توبیخ در این بیت می‌گراید. لب معشوق و جام می – کنایه است از وصال زودگذر و لحظه‌ای. حافظ بر این عقیده است که سالک مسیر عشق الهی نباید در اوّل مسیر بماند و به جام می و حضور لحظه‌ای معشوق الهی اکتفا نماید. هدف او باید دستیابی به اسرار جام جم (اسرار الهی) باشد. بهره‌گیری حافظ از این توبیخ‌ها و سرزنش‌ها، مخاطب را به فکر فرو می‌برد و او را به تغییر مسیر ترغیب می‌کند.

۲. بیا که چاره ذوق حضور و نظم امور به فیض‌بخشی اهل نظر توانی کرد (حافظ، ۱۳۶۸: ۱۷۱)

از سوی دیگر، استفاده از استفهام انکاری باعث می‌شود مخاطب به انتقاد از رفتار خود پرداخته و به تغییر نگاه و دیدگاه خود سوق داده شود. البته «هدف از سوال در اقناع مخاطب، اغراض ثانوی آن است؛ زیرا سوال در معنای حقیقی خود به کار نمی‌رود و ابزاری مؤثر در ترغیب افراد به حساب می‌آید» (میلر، ۱۳۹۰: ۸۶). در بیت زیر نیز هدف حافظ از سوال، پرسیدن نیست؛ بلکه سوالی است که نه تنها دربردارنده‌ی ضمنی پاسخی منفی در خود است؛ بلکه ضمن توییخی ضمنی، مخاطب را به اندیشیدن درباره‌ی عملکرد خود و در نتیجه تغییر رفتار و می‌دارد:

ساغری نوش کن و جرعه بر افلاک فشان چند و چند از غم ایام جگرخون باشی
(حافظ، ۱۳۶۸: ۳۴۷)

ح. بهره‌گیری از لحن مقتدر

حافظ گاه با لحن مقتدرانه و رهبری به مخاطب توصیه‌هایی می‌کند که باید آنها را جدی بگیرد. لحن او در بیت زیر:

گر این نصیحت شاهانه بشنوی حافظ به شاهراه حقیقت گذر توانی کرد (حافظ، ۱۳۶۸: ۱۷۱)
کاملاً مقتدرانه و به اصطلاح والامقام است. در این بیت، حافظ از جایگاه بالاتر مخاطب را نصیحت می‌کند و به او می‌گوید در صورتی که او این نصیحت را بپذیرد، قادر خواهد بود به مسیر حقیقت وارد شود. در واقع، او از موضعی بالا، نصیحت خود – که در اینجا منظور از آن، این غزل تعلیمی است – را شاهانه می‌نامد؛ هر چند که از سویی، با فروتنی مخاطب را با خود یکی می‌داند و همچون همیشه خود را خطاب قرار می‌دهد و بر این باور است که تشویق‌ها، تحذیرها، عتاب و توبیخ‌ها در کلامش، اول خطاب به خودش است در جایگاه سالک تازه‌گام‌نهاد در مسیر شناخت حقیقت؛ از سوی دیگر، چون خود گوینده‌ی این نصایح شاهانه است؛ به‌عنوان یک معلم یا مرشد، راه درست را نشان می‌دهد و مخاطب را به پذیرش نصیحت‌های خود دعوت می‌کند.

ط. کار بست لحن صمیمانه و مشفقانه

در برخی ابیات، گاهی حافظ از لحن صمیمانه برای ارتباط با مخاطب استفاده می‌کند که باعث ایجاد حس نزدیکی و اعتماد می‌شود. این شیوه باعث می‌شود که مخاطب احساس کند حافظ به‌عنوان یک راهنمای صادق در کنار او قرار دارد:

دلا ز نور هدایت گر آگهی یابی چو شمع، خنده‌زنان ترک سر توانی کرد (حافظ، ۱۳۶۸: ۱۷۱)
در این بیت حافظ با خطاب صمیمانه «دلا» و استفاده از تصویر شمع، به مخاطب، دلسوزانه توصیه می‌کند که در صورت دریافت نور هدایت، قادر خواهد بود به روشنایی و حقیقت دست یابد. حافظ همچنین در بیت زیر از غزلی دیگر، از لحن تشویقی و مشفقانه استفاده می‌کند تا مخاطب را به رفتار مثبت ترغیب کند:

نوبهار است در آن کوش که خوشدل باشی که بسی گل بدمد باز و تو در گل باشی
(حافظ، ۱۳۶۸: ۳۴۶)

در اینجا، او با اشاره به تغییر فصل و ظهور بهار، مخاطب را مشفقانه، به خوشدل بودن و شادمانی ترغیب می‌کند. استدلال حافظ مبتنی بر طبیعت است که به مخاطب می‌گوید که شاد بودن در این زمان، طبیعی است و باید از فرصت بهار بهره برد. این روش در اقناع مخاطب مؤثر است زیرا حافظ از یک تغییر طبیعی که به‌طور عمومی پذیرفته شده است؛ استفاده می‌کند تا از مخاطب بخواهد که شاد باشد.

از سوی دیگر، حافظ در بیتی دیگر از همین غزل، با لحنی مشفقانه به صورت ضمنی از مخاطب می‌خواهد غصه دنیا را نخورد و به صورت ضمنی تری او را تشویق به شادمانی می‌کند.

نقد عمرت ببرد غصه دنیا به گراف
گر شب و روز در این قصه مشکل باشی

(حافظ، ۱۳۶۸: ۳۴۶)

او همچنین در بیت زیر، از لحن مشفقانه برای هشدار دادن به مخاطب استفاده می‌کند:

در چمن هر ورقی دفتر حالی دگر است
حیف باشد که ز کار همه غافل باشی

(حافظ، ۱۳۶۸: ۳۴۶)

۳-۲ تحلیل روش‌های اقناع مخاطب در غزل‌های تعلیمی تک‌مضمونی حافظ

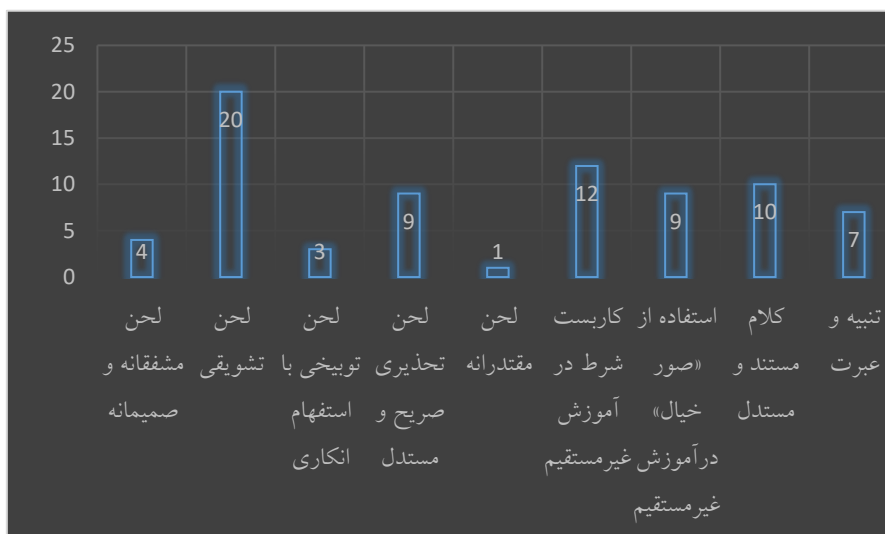
در مبحث پیشین روش‌ها و شگردهایی که حافظ برای اقناع مخاطب در هریک از غزل‌های تعلیمی استفاده نموده است؛ بررسی شد. در این قسمت به تحلیل این شگردهای اقناعی می‌پردازیم.

بر اساس داده‌های به‌دست‌آمده، با توجه به نمودار ۱، بررسی روش‌های تعلیمی و بلاغی حافظ در غزلیات تک‌مضمونی تعلیمی نشان می‌دهد که او با به‌کارگیری متنوع و هنرمندانه لحن‌های متنوع و شگردهای اقناعی، نظامی پیچیده و کارآمد از اقناع را ایجاد کرده که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

الف. لحن‌های متنوع: از تشویق تا هشدار

✓ یکی از مواردی که می‌تواند در اقناع مخاطب مؤثر باشد؛ لحن است. زیرا «لحن بیشتر نقش بلاغی دارد و از عوامل برقراری ارتباط مؤثر با مخاطب است. از طریق لحن، احساسات و عواطف گوینده نیز همراه معانی و مضامین منتقل می‌شود. ... همچنین قدرت انتقال مفاهیم و تجربیات را افزایش می‌دهد و موجب می‌شود تا معانی ضمنی کلام بهتر فهمیده شود» (رضی و فرهنگی، ۱۳۹۲: ۸۲). بررسی داده‌ها در غزل‌های تک‌مضمونی تعلیمی حافظ نیز نشان می‌دهند که لحن تشویقی (ضمنی و آشکار) با ۲۰ بار تکرار، اصلی‌ترین ابزار حافظ برای تأثیر بر مخاطب و در نتیجه اقناع اوست. این لحن به شکل مستقیم و غیرمستقیم پیام‌هایی مانند تأیید رفتارهای مثبت یا تشویق به تغییر نگرش را منتقل می‌کند.

✓ در مقابل، لحن تحذیری صریح و مستدل (۹ بار) و لحن توبیخی (۳ بار) بیشتر نقش تکمیلی دارند و در موقعیت‌هایی به کار رفته‌اند که نیاز به تأکید بر خطری خاص یا نقد صریح رفتارهای ناپسند بوده است. این امر نشان‌دهنده اعتدال حافظ در استفاده از لحن‌های منفی است، چرا که زیاده‌روی در این لحن‌ها ممکن است در اقناع مخاطب تأثیر چندانی نداشته باشد و حتی به به مقاومت مخاطب منجر شود.



نمودار ۱- بسامد روش‌های اقناع مخاطب در غزل‌های تعلیمی تک‌مضمونی حافظ

✓ لحن صمیمانه و مشفقانه (۴ بار) نیز به شکل محدودتر اما مؤثر، به ایجاد پیوند عاطفی با مخاطب و تقویت تأثیر پیام‌ها کمک کرده‌اند.

✓ لحن مقتدرانه هرچند کمتر استفاده شده (تنها ۱ بار)، نشان‌دهنده قاطعیت حافظ در انتقال پیام است که نیازمند چارچوبی روشن و الزام‌آور بوده‌اند.

ب. روش‌های تعلیمی: تعادل بین منطق و احساس

روش‌های تعلیمی در غزلیات تعلیمی تک‌مضمونی حافظ، شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم را شامل می‌شود:

✓ کاربرد شرط در آموزش غیرمستقیم (۱۲ بار) نشان‌دهنده تأکید بر اقناع منطقی مخاطب از طریق ایجاد رابطه علی و معلولی بین رفتارها و پیامدها هستند. استفاده مکرر از جمله شرط، مفاهیم را قابل درک‌تر کرده و توجه مخاطب را به نتایج عمل جلب می‌کند.

✓ کلام مستدل و مستقیم (۱۰ بار) یکی از ویژگی‌های متمایز غزلیات تک‌مضمونی تعلیمی حافظ است. او کلام خود را با دلیل و توضیح، شفاف‌تر و قابل درک‌تر برای مخاطب

می‌نماید و همین امر در اقناع مخاطب تأثیرگذارتر خواهد بود. چنان‌که پراتکانیس و آرسون در این باره بر این اعتقاد هستند که «مجذوب کردن عرصهٔ پیام همراه با استدلال و انباشتن مخاطب از احساس، از وظایف اصلی خطیب در اقناع مخاطبان است» (۱۳۸۴: ۳۰).

✓ تنبیه و عبرت (۷ بار) نیز ابزاری برای برانگیختن تأمل و هشدار دادن به مخاطب هستند. این روش به‌طور غیرمستقیم مخاطب را وادار به بازاندیشی دربارهٔ نگرش‌ها و رفتارهای خود می‌کند.

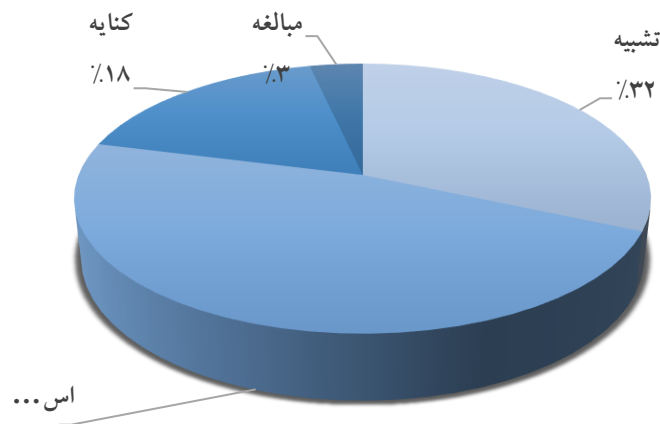
بنا بر این تحلیل، آشکار می‌شود که حافظ در غزلیات تک‌مضمونی تعلیمی خود از ترکیب ظریف لحن‌ها و روش‌های مختلف بهره می‌گیرد. برای مثال، در یک غزل، ممکن است ابتدا با لحنی تشویقی مخاطب را جذب کند، سپس با لحنی هشداردهنده او را نسبت به پیامدهای رفتارهای نادرست آگاه سازد، و در نهایت با لحنی صمیمانه پیام را ماندگار کند. روش‌های غیرمستقیم با استفاده از تصویرسازی و جملات شرط نیز به‌صورت مکمل به‌کار رفته‌اند تا اشعار او بتوانند بر ذهن و احساس مخاطب تأثیر بگذارند.

از سوی دیگر، در بررسی روش‌های غیرمستقیم با استفاده از تصویرسازی بلاغی در غزل‌های تعلیمی حافظ و بر اساس نمودار زیر، نتایج زیر به دست آمد:

✓ استعاره (۲۷ بار)

استعاره با بیشترین بسامد در میان ابزارهای بلاغی، نزدیک به نیمی از غزل‌های تعلیمی حافظ را دربرگرفته است. این امر به‌ویژه با کاربست بیشتر استعاره نسبت به تشبیه، زیبایی اشعار تعلیمی حافظ را بیشتر می‌کند. همان‌طور که کزازی نیز معتقد است: «استعاره از تشبیه، هنری‌تر و پرورده‌تر است» (۱۳۸۷: ۹۷). در واقع، این میزان کاربست استعاره، نشان‌دهنده و مؤید مهارت حافظ در ایجاد تصاویری عمیق و چندلایه است. این ابزار به او امکان می‌دهد تا از سویی مفاهیم تعلیمی را به‌صورتی هنری بیان کند، و از سوی دیگر با پنهان کردن بخشی از معنای صریح، مخاطب را به تفسیر و درک عمیق‌تر تشویق می‌کند.

همچنین، از جمله مهم‌ترین کارکردهای استعاره در این غزل‌های تعلیمی حافظ «انگیزش و اقناع» است. در واقع، حافظ برای این که بتواند در مخاطب ایجاد انگیزه نماید، او را به آنچه مورد نظرش است؛ سوق دهد و او را نسبت به انجام کاری و یا هر چیز دیگری اقناع نماید؛ به‌وفور از استعاره استفاده نموده است. چنان‌که فتوحی رودم‌عجی نقش‌های استعاره در هر متن را شامل «انگیزش و اقناع، کتمان و پوشیدگی، نقش زیبایی‌شناسیک، آفرینشگری، تأویل و تفسیر، شناخت و معرفت‌بخشی، گسترش زبان و شخصی‌سازی آن» می‌داند (۱۳۹۰: ۳۰۳-۳۴۴).



نمودار ۲- درصد کاربرست تصویرسازی بلاغی حافظ در غزل‌های تعلیمی تک‌مضمونی

✓ تشبیه (۱۸ بار)

تشبیه، یکی از پرکاربردترین ابزارهای بلاغی حافظ، در ۳۲ درصد غزل‌های تعلیمی حافظ به کار رفته است. این روش، پیام‌های تعلیمی را به شکل ملموس و زیباشناختی به مخاطب منتقل می‌کند. چنان‌که کارکرد بلاغی تشبیه آن است که مفاهیم انتزاعی را به پدیده‌های محسوس نزدیک کرده و درک پیام را آسان‌تر می‌کند.

✓ کنایه (۱۰ بار)

کنایه یکی دیگر از ابزارهای بلاغی حافظ است که با ۱۰ مورد استفاده -حدود یک‌پنجم غزل‌های تعلیمی حافظ را شامل می‌شود- پیام‌های ضمنی را منتقل می‌کند. این روش، زیبایی خاصی به اشعار می‌بخشد و عمق معنایی آن‌ها را افزایش می‌دهد. چنان‌که کارکرد بلاغی کنایه آن است که با ایجاد ابهام هنری، مخاطب را به تفکر و کشف لایه‌های پنهان پیام ترغیب می‌کند.

بنابراین، همه موارد یادشده، نشان‌دهنده مهارت حافظ در استفاده هدفمند از ابزارهای بلاغی برای اقناع و برانگیختن تفکر مخاطب و در نتیجه تأثیر بر او است. چنان‌که ابن سینا ویژگی‌های کلام مؤثر را این گونه بیان می‌کند: «نفس الکلام الواعظ من قائل ذکی بعبارة بلیغه و نغمه رهیمه و سمت رشید» (۱۳۶۸: ۴۴۷). این عبارات دیدگاه فلسفی و روان‌شناسی ابن سینا درباره تأثیر کلام و ویژگی‌های یک واعظ موفق است؛ به این معنا که کلام واعظ تنها زمانی می‌تواند اثربخش باشد که گوینده آن فردی باهوش، با بیانی بلیغ و زیبا، لحنی مهربان و آرامش‌بخش، و شخصیتی هدایت‌گر و شایسته باشد. در واقع، ابن سینا به تأثیر ترکیب این عوامل بر قدرت کلام و جذب مخاطب تأکید دارد. به طوری که می‌توان همه این موارد را در اشعار تعلیمی حافظ درک کرد.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

روش‌های اقناع مخاطب حافظ در غزلیات تعلیمی تک‌مضمونی، ترکیبی از لحن‌های متنوع، شگردهای بلاغی و روش‌های تعلیمی مستقیم و غیر مستقیم است. این روش‌ها به‌شکلی هدفمند طراحی شده‌اند تا بتوانند تأثیری پایدار بر ذهن مخاطب بگذارند. در پاسخ به پرسش‌های این پژوهش و در بررسی و تحلیل داده‌ها، نتایج این تحلیل به صورت زیر جمع‌بندی و نتیجه‌گیری می‌شود:

❖ **تسلط بر تنوع لحن‌ها:** حافظ از لحن‌های مثبت (تشویقی و صمیمانه) به‌مراتب بیشتر از لحن‌های منفی (توبیخی و هشداردهنده) استفاده کرده است. این امر نشان‌دهنده رویکرد سازنده و مثبت او در اقناع مخاطب است.

❖ **تکیه بر عقلانیت:** کاربرست روش‌های تعلیمی مانند جملات شرط و کلام مستدل نشان می‌دهد که حافظ به دنبال اقناع منطقی مخاطب است و از ابزارهای استدلالی برای تقویت پیام خود بهره گرفته است.

❖ **درگیر کردن احساسات:** لحن تشویقی و آموزش غیرمستقیم، با تأکید بر عاطفه و تخیل، مفاهیم را به شیوه‌ای جذاب و دلنشین منتقل می‌کند. آگاهی حافظ بر این امر، پیام‌های تعلیمی او را تأثیرگذار و ماندگار ساخته است.

❖ **اعتدال در استفاده از لحن‌ها:** حافظ به‌ندرت از لحن‌های توبیخی یا مقتدرانه استفاده می‌کند و این لحن‌ها را تنها در موارد ضروری به‌کار می‌گیرد، که نشان‌دهنده هوش بلاغی او در تنظیم پیام‌هاست.

❖ **ترکیب هنری لحن‌ها و روش‌های تعلیمی:** حافظ با ترکیب هنری لحن‌ها و روش‌های تعلیمی، پیام‌هایی با بار معنایی عمیق خلق می‌کند که نه تنها ارزش‌های اخلاقی و عرفانی را منتقل می‌کنند، بلکه مخاطب را به تفکر مفاهیم وامی‌دارند.

❖ تلفیق هنری ابزارها

حافظ از ترکیب ابزارهای مختلف بلاغی برای تأثیرگذاری بیشتر استفاده کرده است. استعاره و تشبیه اغلب در کنار یکدیگر ظاهر می‌شوند تا تصاویر غنی‌تری خلق کنند. همچنین، استعاره و کنایه که به‌طور غالب به‌کار رفته‌اند، از سویی بیانگر تمرکز حافظ بر زیبایی‌شناسی معنوی است و از سوی دیگر، نشان‌دهنده تمایل حافظ به استفاده از تصاویر چندلایه و نمادین برای انتقال پیام‌های عرفانی است. این روش‌ها مخاطب را از سطح ظاهری کلام فراتر می‌برند و او را به کشف عمق مفاهیم دعوت می‌کنند. البته، با وجود تأکید بر ابزارهای تلویحی مانند استعاره و کنایه، تشبیه با بسامد بالا به‌عنوان ابزاری ساده‌تر و صریح‌تر نقش مکمل دارد. این تعادل، تأثیر بر مخاطبان را تسریع می‌کند. در واقع، حافظ در بهره‌گیری از روش‌های بلاغی صریح و تلویحی تعادل برقرار نموده است. از سوی دیگر، در حالی که تشبیه بیشتر برای برانگیختن احساسات

مخاطب به کار رفته؛ استعاره و کنایه ذهن مخاطب را به تأمل و درک عقلانی سوق می‌دهند و این امر اثرگذاری عاطفی و عقلانی را در غزل حافظ تقویت می‌نماید.

بنابراین، در یک جمع‌بندی کلی، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که حافظ در غزلیات تعلیمی خود با بهره‌گیری از لحن تشویقی به‌عنوان اصلی‌ترین و پربسامدترین ابزار اقناع، و استفاده تکمیلی ولی کمتر از لحن‌های تحذیری، مشفقانه، توبیخی و مقتدرانه—به ترتیب بسامد—تعادلی هنری میان اقناع عاطفی و منطقی ایجاد کرده است. همچنین، کاربست جملات شرط و سپس کلام مستدل بیشترین استفاده را در استدلال‌سازی داشته‌اند. از سوی دیگر، بررسی کاربست روش‌های بلاغی غزلیات تعلیمی حافظ نشان می‌دهد که استعاره و سپس تشبیه با ایجاد تصاویری عمیق و ملموس با افزایش لایه‌های معنایی، نقشی کلیدی در انتقال پیام‌های تعلیمی دارند. این تنوع و ترکیب هنری، نشان‌دهنده مهارت حافظ در استفاده هدفمند از شگردهای تعلیمی و ابزارهای بلاغی برای اقناع و برانگیختن تفکر مخاطب است.

منابع

- ابن سینا، حسین (۱۳۶۸). *اشارات و تنبیهات*، نگارش حسن ملکشاهی، تهران: سروش.
- اصفهانی راغب (۱۴۱۲). *المفردات فی غریب القرآن*. صفوان عدنان داوودی. بیروت: دارالعلم الشامیه.
- پراتکانیس، آنتونی؛ الیوت آرنسون (۱۳۸۴). *عصر تبلیغات: استفاده و سوء استفاده روزمره از اقناع*. ترجمه کاووس سیدامامی و محمدصادق عباسی. تهران: سروش.
- حافظ، شمس‌الدین. (۱۳۶۸). *دیوان حافظ: قزوینی/ غنی*. با مجموعه تعلیقات و حواشی علامه محمد قزوینی. به اهتمام عبدالکریم جریزه‌دار. چاپ دوم. تهران: اساطیر.
- حسینی پاکدهی، علی. (۱۳۸۱). *مبانی اقناع و تبلیغ*. تهران: آن.
- خوانساری، محمد. (۱۳۷۶). *فرهنگ اصطلاحات منطقی*. چ دوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رضی، احمد؛ سهیلا فرهنگی (۱۳۹۲). «لحن تعلیمی در دیوان حافظ»، *ادبیات تعلیمی*، سال پنجم، ش ۱۸، تابستان، ۷۹-۱۰۲.
- سنایی، مجدود بن آدم. (۱۳۶۲). *دیوان حکیم ابوالمجد بن آدم سنایی غزنوی*. با مقدمه و حواشی و فهرست به سعی و اهتمام مدرس رضوی. تهران: سنایی.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۳). *بیان و معانی*. چ چهارم. تهران: میترا.
- صالحی، نرگس و همکاران (۱۴۰۱). «نقد بلاغی؛ چیستی و روش‌ها»، *فنون ادبی*، سال چهاردهم، ش ۳۸، بهار، ۳۵-۵۲.
- فتوحی رودمعجنی، محمود (۱۳۹۰). *سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*. تهران: سخن.
- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۸۷). *زیباشناسی سخن پارسی ۱ (بیان)*. تهران: مرکز.
- مومتن، زین‌العابدین. (۱۳۳۹). *تحول شعر فارسی*. تهران: به سرمایه‌ی کتابفروشی حافظ و کتابفروشی مصطفوی.

- مؤدّنی، علی محمد؛ محمد اجمدی (۱۳۹۳). «درآمدی بر جایگاه فرایند اقناع در فنّ خطابه و مطالعات ادبی». *نقد ادبی و بلاغت*. سال سوم. ش ۲. پاییز و زمستان. ۹۳-۱۱۱.
- میلر، جورج آرمیتاژ (۱۳۶۸). *روان‌شناسی و ارتباط*. ترجمه محمد رضا طالب‌نژاد. تهران: نشر دانشگاهی.
- Ibn Sina, H. (1989). *Al-Isharat wa al-Tanbihat*, edited by Hassan Malekshahi. Tehran: Soroush. [In Persian].
- Isfahani, R. (1991). *Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an*, edited by Safwan Adnan Dawoodi. Beirut: Dar al-Ilm al-Shamiya. [In Arabic].
- Pratkanis, A. & Aronson. E (2005). *Age of Propaganda: The Everyday Use and Abuse of Persuasion*, translated by Kavous Seyed-Emami & Mohammad Sadegh Abbasi. Tehran: Soroush. [In Persian].
- Hafez, Sh. M. (1989). *Divan of Hafez*, edited by Qazvini & Ghani, with annotations and footnotes by Allameh Mohammad Qazvini, compiled by Abdolkarim Jarbozedar, 2nd edition. Tehran: Asatir. [In Persian].
- Hosseini Pakdehi, A. (2002). *Principles of Persuasion and Propaganda*. Tehran: Aan. [In Persian].
- Khansari, M. (1997). *Dictionary of Logical Terms*, 2nd edition. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian].
- Razi, A. & Farhangi, S. (2013). "Didactic Tone in Hafez's Divan," *Didactic Literature*, Vol. 5, No. 18, Summer, pp. 79-102. [In Persian].
- Sanai, M. (1983). *Divan of Hakim Abu al-Majd ibn Adam Sanai Ghaznavi*, with introduction, footnotes, and index compiled by Modarres Razavi. Tehran: Sanai. [In Persian].
- Shamisa, S. (2014). *Bayan and Ma'ani* (Rhetoric and Meaning), 4th edition. Tehran: Mitra. [In Persian].
- Salehi, N. et al. (2022). "Rhetorical Criticism: Definition and Methods," *Literary Techniques*, Vol. 14, No. 38, Spring, pp. 35-52. [In Persian].
- Fotuhi Rudmajani, M. (2011). *Stylistics: Theories, Approaches, and Methods*. Tehran: Sokhan. [In Persian].
- Kazazi, M. (2008). *Aesthetics of Persian Speech 1 (Bayan)*. Tehran: Markaz. [In Persian].
- Motamen, Z. (1960). *The Evolution of Persian Poetry*. Tehran: Hafiz Bookstore & Mostafavi Bookstore. [In Persian].
- Mo'azzeni, A. M & Ahmadi, M. (2014). "An Introduction to the Role of the Persuasion Process in Rhetoric and Literary Studies,"

- Literary Criticism and Rhetoric*, Vol. 3, No. 2, Fall & Winter, pp. 93-111. [In Persian]
- Miller, G. (1989). *Psychology and Communication*, translated by Mohammad Reza Talebnejad. Tehran: University Press.[In Persian].

